

بررسی اثرات بالقوه دین داری بر فقر ذهنی در ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۲

محمد سلیمانی*
مهدی کیانی**
ایمان عابدی***

چکیده

سنجش عوامل شکل‌گیری فقر ذهنی، از موضوعات بین‌رشته‌ای است که در سال‌های اخیر مورد توجه اقتصاددانان نیز قرار گرفته است. فقر ذهنی بیانگر احساس، ادراک یا باور به فقر در افراد است که به علل مختلفی در آنها ظاهر می‌شود و ممکن است توأم با فقر عینی و یا بدون آن باشد. هدف اصلی این مقاله ارزیابی رابطه دین داری با فقر ذهنی است که به کمک داده‌های نتایج موج چهارم «طرح بررسی و سنجش شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور سال ۱۳۹۱» - با ۱۷۰۰۰ نمونه برای جمعیت بالای ۱۶ سال در ۳۱ استان کشور - انجام شده است. برای این سنجش از روش رگرسیون حداقل مربعات جزئی (PLS) استفاده شده و نتایج حاکی از آن است که دین داری اثر معنادار و معکوس بر فقر ذهنی دارد؛ یعنی ارتقای دین داری، احساس و ادراک فقر را کاهش می‌دهد. از نتایج فرعی این پژوهش وجود رابطه معنادار بین فقر ذهنی و متغیرهای درآمد و اعتماد است.

واژگان کلیدی: فقر ذهنی، دین داری، شادکامی.

طبقه‌بندی JEL: N3.I32, I31

*. استادیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام.

Email: solimani@isu.ac.ir.

** دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه السلام.

Email: mah.kiani@isu.ac.ir.

*** دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام (نویسنده مسئول).

Email: iman.abedi@isu.ac.ir.

مقدمه

تعریف و اندازه‌گیری فقر همواره یکی از دغدغه‌های اقتصاددانان بوده و تاکنون تعاریف و شاخص‌های متعددی برای آن ارائه شده است؛ اما طبق نظر بسیاری از متفکران روش‌های معمول اندازه‌گیری فقر به کمک شاخص‌های عینی مثل درآمد، تولید ناخالص ملی سرانه، محاسبه خط فقر و تعیین حداقل میزان کالری در روز تمام ابعاد فقر را نشان نمی‌دهند (نیلی و بابازاده خراسانی، ۱۳۹۱، ص ۲۹). در بسیاری از موارد پیش می‌آید که یک فرد علی‌رغم داشتن درآمد بالا احساس فقر کند، از زندگی خود رضایت نداشته و احساس شادکامی نمی‌کند. در چنین وضعیتی ممکن است فرد از نظر شاخص‌های عینی فقیر نباشد ولی احساس فقر کند؛ به چنین حالتی «فقر ذهنی» گفته می‌شود.

در نیمه دوم قرن بیستم تحقیقات گسترده‌ای در حوزه رفاه ذهنی صورت گرفت. وسمن (۱۹۵۶م) و استرلین (۱۹۷۴م) از اولین کسانی بودند که رفاه ذهنی را در اقتصاد مورد مطالعه قرار دادند، در آن هنگام ادبیات فقر ذهنی هنوز امکان ورود به بدنه اصلی علم اقتصاد را نیافته بود (نیلی، بابازاده خراسانی و شادکار، ۱۳۹۴، ص ۲۳). با توجه به فضای رکود و افسردگی پس از جنگ جهانی دوم، سؤالات اصلی اقتصاددانان این بود که آیا رشد درآمد ملی کشورها با میزان شادکامی آنها رابطه دارد؟ و آیا با افزایش درآمد ملی کشور، مردم آن کشور شادتر خواهند شد؟

از طرف دیگر در برخی کشورهای شرقی نیز حکومت‌ها تحت تأثیر فرهنگ و تاریخ خود به شادکامی مردم اهتمام بیشتری ورزیدند؛ مثلاً جیگم دوری وانگچاک، پادشاه کشور بوتان (۱۹۷۲-۱۹۵۲م) در یک فرمان سلطنتی در سال ۱۹۸۶م به کمیته برنامه‌ریزی کشور دستور داد بر اساس معیار میزان شادکامی مردم، دستاوردهای برنامه پنج‌ساله ششم (6th Five Year Plan) را ارزیابی کنند؛ یعنی ارزیابی شود آیا پس اجرای برنامه توسعه، مردم از شادی و راحتی بیشتری برخوردارند یا خیر؟ (Nishimizu, 2008, p.2)؛ لذا می‌بینیم ادبیات فقر ذهنی در کشورهای دیگر نیز مورد توجه واقع شد. در پی همین توجهات و نظریه‌پردازی‌ها، از سال ۲۰۱۲م شبکه راه‌حل توسعه پایدار (Sustainable Development Solutions Network) به کمک برخی از نویسندگان زیر نظر سازمان ملل متحد گزارشی از رتبه‌بندی شادکامی در ۱۵۵ کشور جهان ارائه کرد (World Happiness Report 2017)؛

همچنین لیارد بیان می‌کند «اقتصاد نیازمند تحولی انقلاب‌گونه است که در نتیجه آن ارتقای رفاه ذهنی هدف تمام سیاست‌گذاری‌ها قرار گیرد» (لیارد، ۲۰۰۵، به نقل از نیلی و بابازاده خراسانی، ۱۳۹۱، ص ۲۸).

امروزه با گذشت شش دهه از ورود شاخص‌های ذهنی به علم اقتصاد، اقتصاد شادکامی (Economics of happiness) تا حدودی جایگاه خود را در جریان اصلی اقتصاد پیدا کرده است (Graham, 2005, p.41). در پژوهش‌های متأخر، ادبیات فقر ذهنی بسیار گسترش یافته و به بررسی ارتباط عوامل مختلفی از جمله مذهب، دین‌داری، جنسیت، سن، تحصیلات، اعتماد اجتماعی، شهرنشینی و سلامت با فقر ذهنی می‌پردازد.

در بین این عوامل، باورها و فرایض دینی می‌تواند به کمک معنابخشی و هدفمندکردن زندگی، دریچه نگرش به زندگی را تغییر دهد، دنیا را تبدیل به معبری برای زندگی اخروی کند، به زندگی اهدافی متعالی ببخشد، حرص و طمع انسان‌ها را کاسته و با پررنگ کردن زندگی آن‌جهانی، احساس فقر را در متدینان کاهش دهد؛ مثلاً باور به تأثیر تقوا و عمل صالح در افزایش روزی یا باور به مقسوم‌بودن رزق، می‌تواند آرامش ذهنی برای افراد ایجاد کند. از آنجاکه میزان و کیفیت دین‌داری نشان‌دهنده عمق باورهای دینی در افراد است، بخشی از تحقیقات به بررسی اثر عمق دین‌داری بر فقر ذهنی پرداخته‌اند.

در ادامه مدل فقر ذهنی این پژوهش توصیف شده و اثر اعتماد اجتماعی، درآمد، تحصیلات، جنسیت، سلامت و دین‌داری بر فقر ذهنی تبیین می‌شود و با استفاده از نرم‌افزار «PLS-SEM» میزان اثرگذاری آنها ارزیابی خواهد شد.

۱. سابقه پژوهش

پژوهش‌های رفاه اقتصادی در حوزه رفاه عینی و ذهنی متمرکز هستند. رفاه ذهنی (Subjective Well-Being) و مفهوم متناظر با آن، فقر ذهنی (Subjective Poverty) از جهت مفهوم و مصداق بسیار نزدیک به یکدیگرند.

برخی از پژوهش‌های مهم این حوزه به صورت مختصر بررسی می‌شود:

ویتز (۱۹۸۵م) از اولین کسانی بود که به بررسی رابطه بین فقر ذهنی و دین در بزرگسالان اقدام کرد. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد فعالیت مذهبی (حضور در کلیسا)

نسبت به دین‌داری و مذهبی‌بودن رابطه قوی‌تری از دین و رفاه ذهنی را توضیح می‌دهد؛ همچنین تأثیر عمق عقاید مذهبی و اعمال فردی روی فقر ذهنی در طول زمان کاهش پیدا کرده است. در مجموع می‌توان گفت دین در بزرگسالان نسبت به جوانان در کاهش فقر ذهنی مؤثرتر بوده است.

نکته قابل توجه این است که رابطه بین رفاه ذهنی و دین‌داری در پژوهش‌های متقدم بیشتر در بین میانسالان و افراد مسن بررسی می‌شد؛ زیرا به‌زعم ویتور این افراد بیشتر در معرض فقر ذهنی هستند و از سوی دیگر در این دسته سنی، دین عامل کاربردی‌تری برای حل معضل فقر ذهنی است.

الن و جین (۱۹۹۰م) نشان داده‌اند علی‌رغم تحقیقات صورت گرفته در کانادا مبنی بر رابطه مثبت مشارکت دینی و شادکامی، در بریتیش کلمبیا، جایی که سطوح مشارکت مذهبی کمتر از سایر نقاط کانادا است این رابطه تضعیف یا حتی معکوس شده؛ لذا باور به مثبت‌بودن این رابطه در تمام نقاط جهان، تلقی غلطی است.

الیسون (۱۹۹۱م) تأثیر دین‌داری بر فقر ذهنی را غیر مستقیم و مثبت معرفی می‌کند؛ ولی میزان این تأثیر در افراد باایمان عمیق‌تر، بیشتر گزارش شده است. نتایج نشان دادند افراد باایمان قوی‌تر، رضایت از زندگی و شادکامی بالاتری دارند و اثرات روان‌شناختی حوادث بد زندگی، کمتر در آنها اثرگذار بوده است؛ همچنین رابطه رضایت از زندگی و دین‌داری بسیار قوی‌تر از شادکامی و دین‌داری است.

کیراس (۲۰۰۳م) به کمک مصاحبه با یک گروه از بزرگسالان سفیدپوست و سیاه‌پوست در پی یافتن رابطه بین معنای زندگی از طریق دین و تأثیر آن بر رفاه ذهنی در گروه‌های مختلف بود. به همین جهت مفاهیم و عوامل دینی را که معنابخشی به زندگی را ارتقا می‌دهند شاخص دین‌داری در نظر گرفت و همچنین سه شاخص رضایت از زندگی، عزت نفس و خوش‌بینی را شاخص رفاه ذهنی در نظر گرفت و تأثیر این دو را بر هم بررسی کرد. نتایج نشان دادند: ۱. افراد مسن‌تر که به سبب دین‌داری، معناداری زندگیشان بیشتر شده است، رفاه ذهنی بیشتری نیز دارند. ۲. سیاه‌پوستان آفریقایی - آمریکایی بیشتر در پی یافتن معنای زندگی از طریق دین هستند تا سفیدپوستان.

براون و تیرنی (۲۰۰۹م) به کمک داده‌های نظرسنجی از افراد مسن چینی نشان دادند رابطه فقر ذهنی و دین در این گروه به شدت منفی است؛ درحالی‌که بیشتر پژوهش‌ها این رابطه را مثبت ارزیابی کرده‌اند؛ همچنین علی‌رغم نتایج اکثر تحقیقات تأثیر دین در افزایش رفاه ذهنی برای مردان بیش از زنان است.

لان و بوند (۲۰۱۳م) سعی کردند از طریق شاخص‌های مختلف دین و رفاه ذهنی رابطه بین این دو را از طرق مختلف و به کمک داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی (The World Values Survey Association) بررسی کنند. نتایج آنان نشان داد در فرهنگ‌هایی که دین امری اجتماعی است و عقاید مذهبی شیوع زیادی دارند ارتباط مثبت عمیقی میان رفاه ذهنی و عقاید دینی وجود دارد و در مقابل، فرهنگ‌هایی که در آنها عقاید مذهبی رواج کمتری دارند، ارتباط میان عقاید مذهبی و رفاه ذهنی منفی است؛ لذا می‌توان چنین استنتاج کرد که برخی مطالعات حاکی از رابطه منفی بین دین‌داری و فقر ذهنی است و مطالعات مختلف یک نتیجه واحد برای همه افراد و جوامع ندارد.

حاتمی، حبیبی و اکبری (۱۳۸۸) تأثیر دین‌داری بر رضایت از زندگی را در بین ۳۷۰ نفر از پاسداران متأهل، به روش پس‌رویدادی از نوع همبستگی، بررسی کردند. این اثر مثبت ارزیابی شد؛ یعنی هرچه بر دین‌داری افزوده می‌شود رضایت از زندگی (به عنوان شاخص فقر ذهنی) بیشتر خواهد شد.

نیلی و بابازاده خراسانی (۱۳۹۱) با مشاهده ۴۶۲۰ نمونه در دو سال ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵، عوامل مؤثر بر فقر ذهنی ایرانیان را استخراج و تقارن تأثیر این عوامل را به تفکیک جنسیت محاسبه کردند. نتایج نشان داد عواملی مثل درآمد، وضعیت شغلی، سلامت فردی، اعتقادات مذهبی، روابط و پیوندهای خانوادگی، سن و جنسیت بر سطح رفاه ذهنی ایرانیان اثرگذارند. یکی از نتایج مهم مقاله تأیید رابطه مثبت بین مذهبی‌بودن و رفاه ذهنی بود.

ساقیان (۱۳۹۳) از منظر قرآن و روایات به واکاوی مفهوم احساس فقر، عوامل پیدایش آن و راهکارهای تربیتی - اخلاقی برای رفع آن پرداخته است. نظام تربیتی اسلام شامل عناصری همچون باور به برکت، قناعت، رضایت، شکر، مذمت دنیاپرستی، ساده‌زیستی، پرهیز از حسد و ... است. این نظام می‌تواند به منزله مکمل برای توزیع ثروت مادی عمل کند و مانع بروز بحران‌های اجتماعی، آثار سوء شکاف طبقاتی و احساس فقر شود.

مطابق بیشتر تحقیقات، تأثیر عمق عقاید دینی، مشارکت دینی و دین‌داری بر رفاه ذهنی (شادکامی) مثبت است. البته در تحقیقات محدودی نیز این اثر منفی ارزیابی شده و علت آن به عدم وجود فرهنگ دینی عمیق در یک منطقه خاص از آن کشور برمی‌گردد. معمولاً در همین تحقیقات به این موضوع اشاره شده است که برای مثال در سایر مناطق این رابطه مثبت بوده است (Brown & Tierney, 2009, p.311).

مطابق مطالب بیان‌شده مطالعات متعددی اثر دین‌داری بر فقر ذهنی را در کشورهای مختلف بررسی کرده‌اند؛ اما در کشور ما پژوهش‌های محدودی در این زمینه انجام شده است و تحقیقاتی هم که این اثر را مطالعه کرده‌اند اشکالاتی دارند؛ از جمله اینکه برای دین‌داری شاخص‌های فراگیر ترکیبی در نظر گرفته نشده و صرفاً ابعاد محدودی از دین‌داری مدنظر قرار گرفته است؛ همچنین از آمارهای رسمی و نمونه‌های بزرگ استفاده نشده است.

در این پژوهش برای رفع نواقص قبلی چهار گام مهم برداشته شده:

۱. شاخص دین‌داری با توجه به شرایط ایران و آموزه‌های اسلامی طرح شده است.
۲. به کمک ادبیات و شاخص‌های موجود، شاخص فقر ذهنی متناسب با ایران ساخته شده است.
۳. برای سنجش این رابطه از داده‌های تولیدشده در پیمایش رسمی با حجم نمونه بالا استفاده شده است.
۴. این پژوهش روش PLS را متناسب با موضوع و متفاوت از تحقیقات قبلی به کار برده است.

۲. ادبیات موضوع

مفهوم و شاخص‌های فقر ذهنی

فقر ذهنی را نوعی احساس، ادراک یا باور به فقر می‌دانند که به علل مختلفی در افراد ظاهر می‌شود و ممکن است توأم با فقر عینی یا بدون آن باشد. محققین فارغ از این تعریف کلی و مورد توافق، تلقی‌های متفاوتی از جزئیات فقر ذهنی دارند (شیانی و زارع، ۱۳۹۲، ص ۱۶)؛

مثلاً طبق تحقیقات مختلف، شادکامی، کیفیت زندگی، رضایت از زندگی، رضایت محیطی و حداقل درآمد کافی می‌تواند فقر ذهنی و یا خط فقر ذهنی را آشکار سازد. اندازه‌گیری فقر ذهنی به علت اینکه واقعیت خارجی (Objective) نیست و با ویژگی‌های درونی (Subjective) افراد - مثل باورها، احساسات و خواسته‌ها - سروکار دارد از سختی و خطای بیشتری نسبت به فقر عینی برخوردار است. پرسشنامه، مصاحبه و استفاده از ترجیحات آشکار شده روش‌های معمول برای اندازه‌گیری فقر ذهنی است؛ زیرا شاخص‌های فقر ذهنی مثل بهزیستی، بیچارگی، رضایت‌مندی و شادکامی، اموری ذهنی هستند که در اعمال، رفتار، گفتار، واکنش‌ها، توجه و حافظه افراد ظاهر می‌شوند (همان، ص ۱۷) و بهترین راه آشکارسازی امور ذهنی به کمک خوداظهاری انجام می‌شود. به همین دلیل، روش رایج، استفاده از پرسشنامه و مصاحبه است.

الف) حداقل درآمد کافی یا مخارج

یکی از روش‌های اندازه‌گیری خط فقر ذهنی سؤال درباره حداقل درآمد کافی برای برآورده کردن نیازهاست؛ به این معنی که کمتر از این میزان، انتظارات را برآورده نمی‌سازد؛ مثلاً «به نظر شما حداقل میزان درآمد، برای پاسخگویی به نیازهایتان چقدر است؟» یا سؤال دیگری که راولیون (۲۰۱۶) طرح کرده بدین صورت است «آیا از میزان مصرف فعلی خود راضی هستید؟» که در این پرسش به جای درآمد افراد، مخارج مصرفی آنان مدنظر قرار گرفته است.

ب) رضایت از زندگی (Life Satisfaction)

تعریف واحد رضایت از زندگی آسان نیست؛ زیرا جوامع ارزش‌های مختلفی دارند و «رضایت از زندگی به فرآیند ارزیابی کیفیت زندگی بر اساس معیارهای منتخب فرد اشاره دارد»؛ مثلاً برخی رضایت از زندگی را در داشتن تحصیلات دانشگاهی، ازدواج، تندرستی، موفقیت شغلی، داشتن فرزندان موفق و سالم، انجام فعالیت‌های روزانه و روابط اجتماعی با دیگران می‌دانند. سنجش رضایت از زندگی در هر فرد به صورت مقایسه با وضع زندگی استاندارد مدنظر خودش صورت می‌گیرد؛ مثلاً برای سنجش این امر می‌توان از مقیاس «SWLS» (Satisfaction with Life Scale) استفاده کرد (شیانی و زارع، ۱۳۹۲،

ص ۱۸). این شاخص معمولاً شامل پرسش‌هایی در مورد رضایت از دوستان، فامیل، سلامتی، موقعیت خانه و اوقات فراغت است. رضایت از زندگی شاخص مناسبی تلقی می‌شود؛ زیرا تعداد سؤال‌ها بیشتر از یک پرسش است. این امر تحت تأثیر احساسات قرار گرفتن و پاسخ اشتباه‌دادن را کمتر می‌کند (Colón-Bacó, 2010, p.1).

ج) کیفیت زندگی (Quality of Life)

طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت کیفیت زندگی یعنی «درک و آگاهی فرد از جایگاهش در زندگی که در قالب فرهنگ و نظام ارزشی محل زندگی وی شکل می‌گیرد». کیفیت زندگی همه ابعاد زیستی مثل رضایت مادی، نیازهای حیاتی، توسعه فردی، خودشناسی و بهداشت اکوسیستم را پوشش می‌دهد. این شاخص در سطح خرد از معیار ادراک کیفیت زندگی، ارزش‌های فردی، رفاه، خوشبختی، میزان درآمد، اشتغال، مسکن، آموزش و پرورش و سایر شرایط زندگی و محیطی به دست می‌آید؛ همچنین به‌طور مستقیم سؤالاتی در مورد معناداری و هدفمندی زندگی، روابط اجتماعی، داشتن حمایت دیگران، داشتن فعالیت‌های مورد علاقه روزانه، خوش‌بینی به آینده، احساس آسایش و امنیت و رضایت از گذران اوقات فراغت نیز در این سنجش به کار رفته است (Costanza et al, 2007, pp.267-269)

د) رضایت محیطی (Environmental Satisfaction)

رضایت محیطی به قضاوت‌های افراد در مورد اندازه رضایتشان در حوزه‌های مهم زندگی مانند سلامت جسمی - روحی، کار، فراغت، روابط اجتماعی و خانواده اشاره دارد. وضعیت ایدئال هر حوزه، مقدار لذت‌بردن از تجربه‌های هر حوزه، میزان علاقه به تغییر در یک حوزه، احساس بیچارگی مانند احساسات مثبت و خالصانه به همسایه‌ها و جامعه و احساسات تشویق‌کننده در کار از جمله عوامل رضایت محیطی است. سؤالات آن شامل سنجش میزان امکانات موجود در خانواده، جامعه و محل سکونت، دسترسی به محیط‌های تفریحی، دسترسی به مراکز بهداشتی و سهولت استفاده از وسایل نقلیه عمومی است (شیانی و زارع، ۱۳۹۲، ص ۱۸).

ه) شادکامی (Happiness)

به گفته ریو، شادی احساسی مثبت است که زندگی را شیرین می‌کند. فرد شاد به‌طور مکرر احساسات مثبتی مانند شادی، علاقه و افتخار را تجربه می‌کند؛ همچنین غم، اضطراب و خشم را به‌ندرت احساس می‌کند (مهدی‌زاده و زارع غیاث‌آبادی، ۱۳۹۲، ص ۷). شادکامی به‌طور کلی از طریق یک پرسش از احساس شادی در زندگی مشخص می‌شود (Colón Bacó, 2010, p.1). البته شرکت در مراسم عقیدتی مذهبی، رفتن به تئاتر و سینما، ورزش کردن، هم‌صحبتی با پدر و مادر، معاشرت با دوستان و همسالان و رفتن به کلاس‌های هنری نیز می‌تواند جزء عوامل مؤثر بر شادی در نظر گرفته شود (محسن‌پور، ۱۳۸۹، ص ۷)؛ همچنین بازی کارکردهای مختلفی دارد که از جمله آنها می‌توان به ایجاد شادی و نشاط اشاره کرد (بهشتی و منطقی، ۱۳۹۰، ص ۹۱). بر اساس تحقیقات ارتباط با دوستان، خوردن غذا و نوشیدنی، قدم‌زدن در طبیعت، بازی، فعالیت‌های فرهنگی و تفریحی نیز موجب شادی و نشاط می‌شوند (پناهی، ۱۳۸۸، ص ۲۷)؛ لذا می‌توان شادی را از سطح پرسش مستقیم در مورد شادکامی، به عوامل مؤثر بر شادی گسترش داده و همه این عوامل را برای اندازه‌گیری فقر ذهنی بررسی نمود.

در مورد اهمیت سنجش فقر ذهنی باید گفت: اولاً؛ اندازه‌گیری‌های فقر ذهنی راه مناسبی برای برآورد حداقل استاندارد زندگی افراد است؛ زیرا ابزارهای اندازه‌گیری متداول، حداقل استانداردها را به‌طور کامل و دقیق نمایش نمی‌دهند (Franziska Buttler, 2013, p.2)؛ لذا توجه به فقر ذهنی منجر به بهبود و تکمیل ابزارهای اندازه‌گیری و نظریات فقر می‌شود.

ثانیاً؛ هرچند فقر ذهنی لزوماً با فقر عینی در ارتباط نیست؛ اما می‌تواند مشابه و حتی شدیدتر از فقر عینی، در اجتماع بحران‌های بزرگ ایجاد کند؛ لذا اندازه‌گیری آن ما را در شناخت، پیشگیری و مقابله با بحران‌ها کمک می‌کند.

ثالثاً؛ فقر ذهنی مفهوم چندوجهی و دخیل در حوزه‌های مختلف زندگی است؛ لذا می‌توان گفت از اهمیت بالاتری نسبت به فقر عینی برخوردار است (Ferrer-i-Carbonell & Praag, 2008, p.2).

۳. بسترهای تأثیر دین‌داری بر فقر ذهنی

در متون دین اسلام نیز فقر ذهنی مورد توجه است برای نمونه امام علی علیه السلام در *غررالحکم* باب فقر می‌فرماید: «رُبَّ غَنِيٍّ أَفْقَرُ مِنْ فَقِيرٍ» (آمدی، ۱۳۷۸، ص ۳۸۲): چه بسا توانگری که فقیرتر از مستمند است.

و در سخن دیگری می‌فرماید:

«رُبَّ فَقْرٍ عَادَ بِالْغِنَى الْبَاقِي رُبَّ غَنِيٍّ أَوْرَثَ الْفَقْرَ الْبَاقِي» (همان): بسا فقری که به توانگری

جاودان انجامد و بسا توانگری‌ای که فقر همیشه بر جای نهد.

مثلاً می‌توان گفت فقری که ملازم با صبر و ایمان باشد احساس فقر را از بین می‌برد؛ یعنی ممکن است فردی فقیر باشد ولی به جهت برخورداری از روحیه استغنا و قناعت احساس فقر نکند و البته بر خلاف همین حالت ممکن است افراد توانگر به علت داشتن روحیه تکاثرگرایی، حرص و طمع احساس فقر کنند (ساقیان، ۱۳۹۳، ص ۱۳۵).

این مقاله به‌طور خاص به اثر دین‌داری بر فقر ذهنی تأکید می‌کند؛ لذا در ادامه بسترهای تأثیر دین‌داری بر فقر ذهنی را بر اساس تحقیقات صورت گرفته بررسی می‌کنیم.

بررسی رابطه بین دین و فقر ذهنی حداقل به نوشته‌های دورخیم در سال ۱۹۱۵ برمی‌گردد (Barkan & Greenwood, 2003, p.117) و بعد از آن محققان دیگری به بررسی این رابطه پرداخته‌اند. از بستر مطالعه آنها می‌توان چنین استنباط کرد که دین‌داری از طرق مختلفی بر فقر ذهنی تأثیرگذار است که به ترتیب عبارت‌اند از:

معنا و هدف بخشی به زندگی

جنبه‌های اجتماعی دین و عمق باورهای مذهبی به کمک فراهم کردن معنا و هدف برای زندگی، موجب افزایش شادکامی و کاهش فقر ذهنی می‌شوند (Colón-Bacó, 2010, p.1). دین‌داری می‌تواند یک زندگی معنادار، هدفمند، لذت‌بخش، شاد و مورد رضایت را فراهم کند؛ مذهب می‌تواند بسیاری از نیازهای روحی انسان را برآورده کند. دین می‌تواند خلأهای اخلاقی، عاطفی و معنوی انسان را پر کند، به او امید و قدرت دهد و پایگاه بسیار محکمی برای انسان در برابر مشکلات، مصائب و محرومیت‌های زندگی ایجاد کند.

گیرتس معتقد است دین می‌کوشد تجربه‌های بشر در زمینه نابرابری و بی‌عدالتی را توجیه کند؛ مثلاً باور به اینکه بی‌عدالتی‌ها در این جهان با دادگری در جهان دیگر جبران خواهند شد، می‌تواند موجب افزایش رضایت از زندگی شود (مهدی‌زاده و زارع غیاث‌آبادی، ۱۳۹۲، ص ۴)؛ همان‌طور که بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهند هرچه بر دین‌داری افزوده شود رضایت از زندگی نیز بیشتر می‌شود (حاتمی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۲۲).

بهبود متغیرهای سلامت روان

بسیاری از متغیرهای سلامت روان به وسیله باورهای مذهبی تبیین می‌شوند؛ یعنی مذهب کمک می‌کند انسان معنای حوادث دردناک زندگی را که اضطراب‌انگیز هستند بفهمد و موجب دلگرمی و خرسندی مطبوعی در روح و روان او شود (عبدالله‌پور و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴). از سوی دیگر، پژوهش‌هایی که در زمینه تأثیر دین بر برخی مؤلفه‌های روان‌شناختی انجام شده است، نشان می‌دهد دین تأثیر مثبت بر بهداشت جسمانی و روانی دارد. مثل تأثیر مثبت دین‌داری بر رفتارهای مقابله‌ای سالم، کاهش افسردگی، کاهش نگرانی، افزایش عزت نفس، بالارفتن کیفیت زندگی و هویت‌یافتن (همان، ص ۳).

ارتباط شخصی با خداوند

مردم روابط معنوی خود را برای رسیدن به آرامش گسترش می‌دهند. این ارتباط باعث می‌شود که اولاً؛ بسیاری از حوادث و بحران‌ها به کمک یک منبع ماوراءالطبیعی توجیه، مدیریت و کنترل شوند و ثانیاً؛ سبک زندگی سالمی همراه با وفاداری، رفتار نوع‌دوستانه و اجتماع‌خواه، اعتدال در تغذیه و عدم مصرف مشروبات الکلی به وجود آید (مهدی‌زاده و زارع غیاث‌آبادی، ۱۳۹۲، ص ۴۲۲).

افزایش شادکامی

گزاره‌های دین اسلام برای کاهش فقر ذهنی بسیار غنی است. در بسیاری ادیان الهی یا بشری، شادی و نشاط جایگاه خاصی دارد. اندکی درنگ در تعالیم، آداب، اعمال و آموزه‌های ادیان، این نکته را روشن می‌سازد که در همه آنها، دستورها و سفارش‌هایی برای شادی و نشاط بشر در زندگی مادی بیان شده است (خبازی، ۱۳۹۰، ص ۵). برای نمونه

اسلام شادی را ستوده و حتی روزهای خاصی را برای شادمانی معرفی کرده است. اسلام اعمال خیر، گره‌گشایی از کار مؤمنان، مسافرت، پرهیزکاری، کار، بوی خوش، لباس روشن، سحرخیزی، دعا به هنگام شب، استفاده از رنگ‌های شاد و صبر و تسلیم در برابر رضای خداوند را از عوامل مؤثر در شادمانی معرفی می‌کند (مردانی، ۱۳۹۱، ص ۵۰-۶۰).

در همین موضوع امام رضا علیه السلام خطاب به ابن‌شیبیه فرمودند:

«ان سرگ ان تکون معنا فی الدرجات العلی من الجنان فاحزن لحزننا و افرح لفرحنا» (مجلسی، ۱۳۷۸ق، ج ۶۴، ص ۲۸۶): اگر دوست داری در درجات عالی بهشت با ما باشی با حزن ما محزون و با شادی ما شاد باش.

همچنین امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

کوشش کنید اوقات روز شما چهار قسمت باشد. ساعتی برای عبادت و خلوت با خدا، ساعتی برای تأمین معاش، ساعتی برای معاشرت با برادران مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیب‌هایتان واقف می‌کنند و در باطن به شما خلوص و صفا دارند و ساعتی را هم برای تفریحات و لذایذ خود اختصاص دهید و از طریق مسرت و شادی در ساعات تفریح، نیروی انجام وظایف و وقت‌های دیگر را تأمین کنید (همان، ص ۳۹۰).

به‌طورکلی تأکیداتی که در آموزه‌های اسلام مبنی بر فقیربودن در مقابل خداوند، رزاقیت، از بین نرفتن پاداش کارهای نیک، وجود سنت غیر قابل اجتناب امتحانات الهی برای همه و اهمیت و جایگاه صبر وجود دارد، شخصیت افراد را به‌گونه‌ای شکل می‌دهد که در مقابل سختی‌ها مقاومت بیشتری داشته باشند. از سوی دیگر تأکید اسلام بر برقراری روابط اجتماعی پیوسته (صله‌رحم، تعامل با همسایگان، مدارا با افراد و ...) موجب ایجاد یک شبکه اجتماعی سازنده می‌شود که می‌تواند در شادکامی افراد مؤثر باشد.

پژوهش‌های مختلف نیز نشان می‌دهند از دو طریق شرکت در فعالیت‌های اجتماعی -

دینی می‌توان شادکامی در افراد را افزایش داد:

الف) بُعد معنوی دین به افراد کمک می‌کند در مقابله با مشکلات و استرس‌ها به کمک قدرت ایمان، امید، بخشش و شادی یک روحیه قوی و با اعتماد به نفس پیدا کنند؛ همچنین دین سبک زندگی سالم‌تری را از طریق کاهش رفتارهای ریسکی مثل رابطه

جنسی نایمن، قمار و مصرف الکل و تنباکو ترویج می‌کند؛ لذا در مجموع دین‌داری می‌تواند رفاه بیشتری را به ارمغان آورد (Barkan & Greenwood, 2003, p.118).

ب) معابد فرصتی برای تعامل بین افرادی است که ارزش‌های مشترک دارند، مسلمانان می‌توانند از حمایت یک شبکه اجتماعی غیر رسمی بزرگ و قابل اعتماد از طریق مساجد، حسینیه‌ها و سایر عبادتگاه‌ها بهره‌مند شوند؛ مثلاً از طریق نمازگزاران مسجد به فرد کمک مادی یا حمایت معنوی شود (مهدی‌زاده و زارع غیاث‌آبادی، ۱۳۹۲، ص ۴۲۲).

سایر عوامل مؤثر بر فقر ذهنی

مطابق مطالعات، علاوه بر دین برخی از متغیرهای دیگر نیز بر فقر ذهنی اثرگذارند. برخی از آنها مانند میزان درآمد افراد، قابل مشاهده و اندازه‌گیری هستند؛ ولی برخی مانند باورها، احساسات، هیجانات و خواسته‌های درونی فرد غیر قابل مشاهده هستند. برای دسته دوم معمولاً آمار رسمی وجود ندارد و به کمک پرسشنامه می‌توان آنها را استخراج کرد. در این مقاله از هر دو نوع متغیر استفاده شده که در ادامه تشریح می‌گردد:

۱. اعتماد

اعتماد اجتماعی شاخصی از سرمایه اجتماعی و یکی از عناصر اصلی برقراری تعامل اجتماعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یکدیگر به دست می‌آورند. اعتماد اجتماعی تبادل اجتماعی را در شرایط عدم اطمینان و ریسک تسهیل می‌کند و در تحقق نظم اجتماعی در زندگی روزمره عنصری ضروری به شمار می‌آید. پژوهش‌ها نشان می‌دهند اعتماد به‌طور مستقیم از طریق کمک به یافتن شغل جدید و افزایش درآمد و به‌طور غیر مستقیم از طریق افزایش مصرف، رفاه ذهنی افراد را افزایش می‌دهد (نجاززاده و سلیمانی، ۱۳۹۱، ص ۱۵).

۲. سلامت

در تحقیقات مختلف، سلامت به عنوان عامل مؤثر بر فقر ذهنی معرفی شده است. به‌طور خاص تصور از سلامت فردی به‌خصوص در زنان بیش از مردان بر فقر ذهنی اثرگذار است (نیلی و بابازاده خراسانی، ۱۳۹۱، ص ۴۳). در اسلام سلامت به عنوان یکی از دو نعمت بزرگ معرفی می‌شود. پیامبر اکرم ﷺ در این رابطه می‌فرمایند: «نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ» (صدوق، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۴) و افرادی که از سلامت بیشتری برخوردار باشند امکان استفاده

از مواهب مادی و معنوی بالاتری را دارا هستند؛ لذا می‌توانند بهتر و بیشتر از افراد غیر سالم کار کنند، درآمد کسب کنند، به تفریح و شادی بپردازند، از هزینه‌های درمان بکاهند و رضایت از زندگی را به میزان بالاتری احساس کنند که در این صورت رفاه ذهنی بیشتری خواهند داشت (Locker & et al, 2000, p.971).

۳. درآمد

پژوهشگرانی همچون باتلر (۲۰۰۶) و راولیون (۲۰۱۶) رابطه فقر ذهنی و درآمد را مورد سنجش قرار داده و آن را منفی برآورد کرده‌اند؛ زیرا معمولاً درآمد بالا فرصت و توانمندی بیشتری برای دستیابی به خواسته‌های مادی در اختیار افراد قرار می‌دهد. افراد متمول‌تر می‌توانند کالاها و خدمات بیشتری مصرف کنند و از این طریق رفاه بیشتری به دست آورند؛ همچنین سطوح بالای درآمدی می‌تواند از طریق کسب شأن و احترام اجتماعی بالا، موجب ارتقای سطح رفاه ذهنی افراد شود (نیلی و بابازاده خراسانی، ۱۳۹۱، ص ۲۸)؛ اما در صورتی که افراد گروهی را به عنوان لنگر یا معیار قرار داده و درآمد خود را در مقایسه با آن گروه مدنظر قرار دهند در این صورت رابطه بین درآمد و فقر ذهنی، می‌تواند مثبت باشد و علی‌رغم افزایش درآمد، به دلیل اینکه فرد خود را در مقایسه با دیگران تعریف می‌کند فقر ذهنی افزایش یابد.

کاستیلا (۲۰۱۰م) و راولیون (۲۰۱۶م) در پژوهش‌های خود درآمد را نسبت به گروه‌های معیار در نظر گرفته‌اند. راولیون نشان می‌دهد در مورد برخی کشورهای توسعه‌یافته مثل آمریکا درآمد شخصی به درآمد دیگر اقشار جامعه مثلاً همسایگان وابستگی ندارد.

۴. تحصیلات

در بسیاری از تحقیقات میزان تحصیلات به عنوان یکی از مؤلفه‌های شاخص توسعه انسانی بر فقر ذهنی اندازه‌گیری می‌شود (افشاری و دهمرده ۱۳۹۳، ص ۳۸) و این اثر مثبت ارزیابی شده است (نजारزاده و سلیمانی، ۱۳۹۱، ص ۱۵). به‌طور خاص بر اساس برخی پژوهش‌ها در زنان افزایش تحصیلات منجر به افزایش رفاه ذهنی می‌شود؛ ولی در مردان این رابطه به‌صورت معنادار اثبات نشده است (مدیری و آزاد ارمکی، ۱۳۹۲، ص ۲۲۵). پس افزایش سطح تحصیلات از طریق ایجاد امید برای یافتن شغل بهتر و درآمد بیشتر منجر به کاهش فقر ذهنی می‌شود.

۵. جنسیت

رابطه جنسیت با احساس شادکامی و رضایت از زندگی در مقالات مختلف اندازه‌گیری شده‌اند (نیلی و بابازاده خراسانی، ۱۳۹۱، ص ۳۰). انتظار می‌رود فقر ذهنی در بین مردان به دلیل ضرورت داشتن پرستیژ اجتماعی بیشتر نسبت به زنان پایین‌تر باشد (مدیری و آزاد ارمکی، ۱۳۹۲، ص ۲۴۰). از قضا پژوهش‌های تجربی نیز مؤید این نظر است که زنان رفاه ذهنی بیشتری نسبت به مردان دارند (نجاززاده و سلیمانی، ۱۳۹۱، ص ۱۴). توجیحات اصلی ارائه‌شده به علل روان‌شناختی مربوط به زنان در حوزه مثبت‌اندیشی، اعتماد و تمایلات دینی اشاره دارند.

۶. شهرنشینی

با رشد شهرنشینی و تقسیم‌کار بهره‌وری افزایش و رفاه کل جامعه نیز افزایش می‌یابد. مردم شهر با استفاده از امکانات شهری می‌توانند زندگی شادتر و رضایتمندتری تجربه کنند. پس با افزایش میزان شهرنشینی سطح رفاه ذهنی افزایش چشمگیری خواهد داشت (Easterlin, ۱۹۶۹, p.1). در مقابل برخی پژوهش‌ها مثل *خان‌دکر و هاتن* (۲۰۰۹م) نشان داده‌اند فقر ذهنی در مناطق شهری بالاتر برآورد می‌شود، مسبب این اتفاق بالاتر رفتن توقع شهرنشینان، وجود و درک تضاد طبقاتی و نابرابری بالاتر است. آنها نشان دادند در فیلیپین خط فقر ذهنی که مردم شهر انتظار دارند، تقریباً دو برابر روستاست.

۴. شاخص‌های مورد استفاده و داده‌ها

داده‌های این پژوهش از «طرح بررسی و سنجش شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور» که به سفارش شورای فرهنگ عمومی کشور آخرین بار در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۱ به اجرا درآمده، اخذ شده است. این گزارش موج چهارم از سنجش فرهنگ عمومی است که با حدود ۱۷۰۰۰ نمونه آماری انجام و نتایج آن برای ۳۱ استان منتشر شده است. جامعه آماری این پژوهش جمعیت شهری و روستایی بالای ۱۶ سال است و نمونه‌های این تحقیق از میان ساکنان ۲۲۸ شهر و حدود ۱۴۰۰ روستا از سراسر کشور انتخاب گردیده و نتایج آن به تفکیک استان‌ها منتشر شده است (شورای فرهنگ عمومی کشور، ۱۳۹۱).

فقر ذهنی به عنوان متغیر وابسته‌ی این تحقیق از یک شاخص ترکیبی ساخته شده است. با توجه به تعاریف و شاخص‌هایی که در ادبیات تحقیق وجود دارد؛ شش سؤال از موج چهارم شاخص‌های فرهنگ عمومی (۱۳۹۱) به عنوان مبنای محاسبه شاخص فقر ذهنی لحاظ گردید. یکی از این سؤالات بیان می‌دارد «کدام یک از موارد وضعیت اقتصادی خانواده شما را بهتر توصیف می‌کند؟» و در پاسخ میانگین تعداد جواب به گزاره‌هایی مثل «خانواده ما برای تأمین مواد غذایی از نظر مالی با مشکل مواجه است» تا «خانواده ما تقریباً قادر به تهیه تمام چیزهایی که می‌خواهیم هست» مطرح شده است. پاسخ به این سؤال تلقی ذهنی فرد از وضعیت خود - به عنوان یکی از نماگرهای فقر ذهنی - را بیان می‌کند. از سوی دیگر ۴ سؤال نیز برای تعیین میزان شادکامی و شادی - به عنوان یکی دیگر از نماگرهای فقر ذهنی - مبنا قرار گرفت که به میزان تفریحات مردم اشاره داشتند؛ سؤال آخر نیز در مورد وام‌داشتن و پرداخت اقساط وام هست که در برخی از پژوهش‌ها به عنوان شاخص فقر ذهنی به کار گرفته شده است. در نهایت میانگین این سه نماگر به عنوان شاخص نهایی فقر ذهنی مورد استفاده قرار گرفته است.

برای متغیرهای مستقل نیز شاخص‌های زیر در نظر گرفته شده است: برای شاخص دین‌داری پاسخ به ۸ سؤال مربوط به وفای به عهد (میزان ناپسندی بدعهدی نزد فرد)، صلهرحم، حضور در نماز جماعت، حضور در نماز جمعه، روزه‌داری، پرداخت کمک‌های مالی (صدقه، نذر و خیرات)، میزان مطالعه قرآن و ادعیه و میزان مطالعات دینی - به جز قرآن و ادعیه - مبنا قرار گرفت. برای شاخص سلامت از میانگین وزنی پاسخ به میزان ورزش و پاسخ عدم استفاده از دخانیات - به عنوان شاخص‌های پیشینی سلامت - تعیین شدند. برای متغیر اعتماد از پاسخ به ۱۱ سؤال مربوط به میزان اعتماد به گروه‌ها و اقشار مختلف - شامل اعتماد به نیروی انتظامی، پزشکان، قضات، نمایندگان مجلس و ... - استفاده شده است. برای متغیر درآمد از داده‌های درآمد سرانه مرکز آمار ایران به تفکیک استان‌ها استفاده گردیده و شاخص تحصیلات و جنسیت و شهرنشینی نیز از پاسخ به سؤالات مستقیم در مورد این آیتم‌ها استخراج و کدگذاری شده است.

۵. روش تحقیق: منطق روش حداقل مربعات جزئی (PLS)

به طور کلی دو رویکرد برای برآورد پارامترهای یک مدل معادلات ساختاری وجود دارد. اولین رویکرد مبتنی بر کوواریانس بوده و دیگری مبتنی بر واریانس است. رویکرد مبتنی بر کوواریانس سعی در کاهش تفاوت بین کوواریانس نمونه و کوواریانسی که توسط مدل نظری پیش‌بینی شده، دارد (امانی، خضری آذر و محمودی، ۱۳۹۱، ص ۴۵)؛ اما برخلاف آن، روش حداقل مربعات جزئی یا همان PLS سعی دارد واریانس متغیرهای وابسته‌ای که توسط متغیرهای مستقل پیش‌بینی می‌شوند را بیشینه‌سازی کند.

در روش PLS بخش ساختاری، مدل درونی (Inner Model) و بخش اندازه‌گیری، مدل بیرونی (Outer Model) نام دارد. در این رویکرد، ابتدا مقادیر محاسبه می‌شود.

حداقل مربعات جزئی = مدل درونی + مدل بیرونی

جهت نیل به این مقصود متغیرهای پنهان به صورت ترکیب دقیق خطی نشانگرهای تجربی خود برآورد می‌شوند. سپس روش PLS از این نمایندگان جانشین‌های کاملی برای متغیرهای پنهان استفاده می‌کند؛ بنابراین به طور خلاصه رویکرد PLS این گونه عمل می‌کند: در ابتدا نسبت‌های وزنی که نشانگرها را به متغیرهای پنهان مورد نظرشان مربوط می‌کند برآورد می‌شود، سپس با در نظر گرفتن نسبت‌های وزنی به عنوان ورودی، مقادیر موردها برای هر متغیر پنهان بر اساس میانگین وزنی نشانگرهای محاسبه می‌شود. در نهایت از این مقادیر موردها در معادلات رگرسیون استفاده کرده تا پارامترهای روابط ساختاری تعیین شود (همان، ص ۴۵-۴۶).

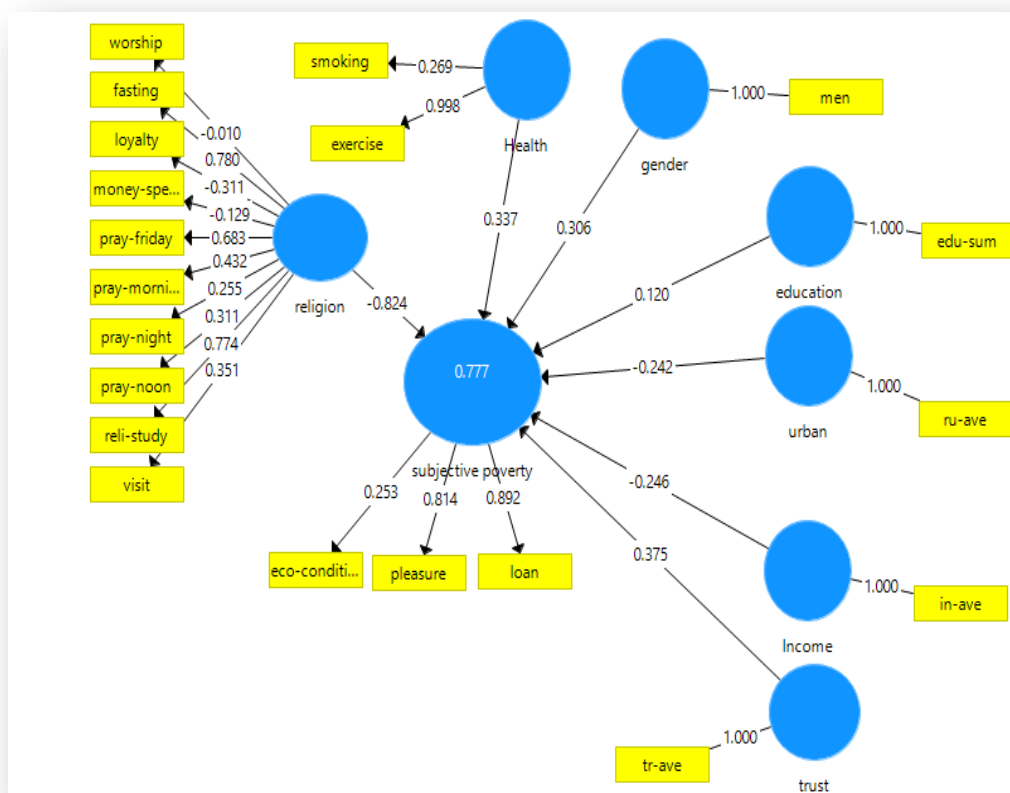
در این مقاله، جهت اجرای مدل مفهومی و تحلیل نتایج از نرم‌افزار PLS-SEM نسخه ۳,۲ استفاده شده است.

۶. تخمین مدل و نتایج

شکل ۱ مدل مفهومی و نتایج حاصل از رگرسیون و همبستگی میان متغیرها را نمایش می‌دهد که در ادامه تحلیل خواهد شد. همان‌طور که در شکل نیز مشاهده می‌شود، متغیرهای مستقل (آشکار) عبارت‌اند از: جنسیت، سلامت، دین‌داری، شهرنشینی، درآمد، تحصیلات و اعتماد اجتماعی. متغیر وابسته (پنهان) نیز فقر ذهنی است. داده‌های مربوط به هر متغیر

مستقل با رنگ زرد مشخص شده و به آن متصل است. اعداد روی خطوط میان متغیرهای مستقل (دایره آبی کوچک) و داده‌هایی که به رنگ زرد مشخص شده، نمایانگر میزان اثرگذاری داده‌ها بر متغیرهای مستقل است. اعداد روی خطوط میان متغیرهای مستقل (دایره آبی کوچک) و وابسته (دایره آبی بزرگ) نیز میزان و جهت اثرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را نشان می‌دهند؛ همچنین علامت مثبت نشانه اثرگذاری در جهت مستقیم و علامت منفی نمایانگر اثرگذاری در جهت عکس است.

در ادامه تحلیل نتایج حاصل از رگرسیون میان متغیرهای مستقل و وابسته بیان خواهد شد.



شکل (۱) - شمای کلی متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق در نرم‌افزار PLS-SEM

ضریب تعیین (R2)

رایج‌ترین شاخص برای ارزیابی مدل ساختاری، ضریب تعیین (R2) است. ضریب تعیین هر متغیر پنهان، نشان می‌دهد چند درصد از واریانس‌های موجود آن متغیر پنهان قابل تبیین است. هرچه میزان ضریب تعیین به عدد یک نزدیک‌تر باشد، مدل از دقت اندازه‌گیری بالاتری برخوردار است. در مدل حاضر، متغیر پنهان (فقر ذهنی) دارای ضریب تعیین به بزرگی ۰,۷۷۷ است که نشان از تبیین خوب مدل ساختاری مورد استفاده در این تحقیق دارد.

محاسبه روایی واگرا بین متغیرها به روش فرنل

روایی واگرا در یک مدل ساختاری، بر همبستگی اندک میان متغیرهایی که میان آنها رابطه‌ای در نظر گرفته نشده، تأکید دارد. روش فرنل به عنوان یکی از شاخص‌های برآورد روایی واگرا محسوب می‌شود. این شاخص در واقع جذر میانگین واریانس استخراج‌شده را برای هر متغیر محاسبه کرده و در قطر اصلی ماتریس همبستگی میان متغیرها قرار می‌دهد؛ لذا اعداد موجود در قطر اصلی، باید از سایر اعداد در آن ستون بزرگ‌تر باشند. مطابق جدول ۲، روش فرنل برای مدل ساختاری نشان می‌دهد روایی واگرا در مدل به‌کاررفته در این پژوهش برقرار است؛ چراکه اعداد موجود در قطر اصلی ماتریس همبستگی میان متغیرها که جذر AVE آن متغیر را نشان می‌دهند، از سایر اعداد بزرگ‌ترند.

جدول (۲) روایی واگرا بین متغیرها (منبع: یافته‌های تحقیق).

نام متغیر	سلامت	درآمد	آموزش	جنسیت	دین‌داری	فقر ذهنی	اعتماد	شهرنشینی
سلامت	0.731							
درآمد	0.224	1.000						
آموزش	0.155	-0.010	1.000					
جنسیت	0.145	0.168	0.360	1.000				
دین‌داری	-0.110	-0.509	-0.041	-0.143	0.475			
فقر ذهنی	0.330	0.167	0.101	0.357	-0.638	0.712		
اعتماد	-0.084	-0.175	-0.295	0.012	0.194	0.261	1.000	
شهرنشینی	0.303	0.266	0.438	0.503	-0.303	0.153	-0.258	1.000

محاسبه برازش مدل

مهم‌ترین شاخص برازش، خطای جذر میانگین مربعات یا RMS است. این شاخص، اختلاف میان مدل ساخته‌شده با داده‌های تجربی را نشان می‌دهد. در صورتی که مقدار این شاخص بزرگ‌تر از ۰,۰۸ باشد، برازش قابل قبول است و اگر بالاتر از ۰,۱ باشد، برازش خوب است (سبحانی‌فرد، ۱۳۹۵، ص ۲۶۴). طبق این معیار، میزان برازش مدل ۰,۲۴۸ ارزیابی شده و از آنجاکه بالاتر از ۰,۱ است پس مدل از برازش خوبی برخوردار است.

جدول (۳) برازش مدل منبع (یافته‌های پژوهش حاضر)

عنوان	میزان برآورد
rms Theta	0.248

نتایج بررسی پذیرش فرضیه‌های مدل

درباره داوری نهایی در مورد متغیرها و پذیرش یا عدم پذیرش فرضیه‌های موجود در تحقیق، باید به گزارش‌های حاوی اطلاعات در مورد میزان احتمال متغیرها و نحوه قرارگیری آنها نسبت به فاصله اطمینان، رجوع نمود. نرم‌افزار PLS-SEM این گزارش توسط Bootstrap فراهم شده و در مورد ثبات برآورد ضرایب و متغیرها اظهارنظر می‌نماید. فاصله اطمینان، دامنه‌ای است که در آن پارامتر واقعی جامعه با فرض سطح معینی از اطمینان در آن قرار می‌گیرد (هیر و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۷۴).

از آنجاکه در نرم‌افزار PLS-SEM میزان خطای نمونه به صورت پیش فرض ۰,۰۵ در نظر گرفته می‌شود ($\alpha=0,05$)، فاصله اطمینان ۹۵ درصد است. حال با توجه به فاصله اطمینان، برای پذیرش یا عدم پذیرش فروض مدل، می‌توان از هر کدام از معیارهای: (۱) مقایسه مقدار آماره t و (۲) سنجش میزان احتمال (P-value) استفاده نمود.

از آنجاکه میزان خطای استاندارد نمونه ۰,۰۵ در نظر گرفته می‌شود، مقادیر آماره t نباید در بازه $(-1,96, +1,96)$ قرار بگیرند؛ بنابراین چنانچه مقادیر آماره t عددی در این بازه باشند، فرضیه مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد و اگر مقادیر t اعداد بزرگ‌تر از ۱,۹۶ یا کوچک‌تر از -۱,۹۶ باشند، فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود (بازه اطمینان ۹۵ درصد). جدول ۴ مقادیر برآوردشده توسط آماره t و میزان احتمال آن را نشان می‌دهد؛ همچنین ضرایب مسیر که نمایانگر میزان تأثیر متغیر مستقل (آشکار) بر متغیر وابسته (پنهان) هستند، ارائه

شده‌اند. با توجه به مجموعه اطلاعات بیان‌شده، مشاهده می‌شود از آنجاکه متغیرهای درآمد، دین‌داری و اعتماد دارای احتمال کمتر از ۰,۰۵ بوده و مقدار آماره t در آنها خارج از بازه $(+۱,۹۶, -۱,۹۶)$ قرار دارد؛ بنابراین فرضیه‌های مدل مبنی بر اثرگذاری اعتماد، درآمد و دین‌داری بر فقر ذهنی مورد پذیرش قرار می‌گیرند.

از طرف دیگر، متغیرهای سلامت، آموزش، جنسیت و شهرنشینی دارای احتمال بالاتر از ۰,۰۵ بوده و مقدار آماره t آنها در بازه $(+۱,۹۶, -۱,۹۶)$ قرار می‌گیرد؛ بنابراین فرضیه‌های مدل مبنی بر تأثیرپذیری فقر ذهنی از متغیرهای سلامت، جنسیت و آموزش مورد پذیرش قرار نمی‌گیرند.

جدول (۴) نتیجه پذیرش فرضیه‌ها (۱) (منبع: یافته‌های پژوهش)

نوع فرضیه	ضرایب مسیر (Path coefficients)	مقدار آماره t	میزان احتمال (P-value)	پذیرش/عدم پذیرش فرضیه
فقر ذهنی \rightarrow سلامت	0.337	1.746	0.081	عدم پذیرش
فقر ذهنی \rightarrow درآمد	-0.246	2.044	0.041	پذیرش
فقر ذهنی \rightarrow آموزش	0.120	0.738	0.460	عدم پذیرش
فقر ذهنی \rightarrow جنسیت	0.306	1.642	0.101	عدم پذیرش
فقر ذهنی \rightarrow دین‌داری	-0.824	2.905	0.004	پذیرش
فقر ذهنی \rightarrow اعتماد	0.375	2.299	0.022	پذیرش
فقر ذهنی \rightarrow شهرنشینی	-0.242	1.720	0.086	عدم پذیرش

حال اگر میزان خطای نمونه را به ۰,۱۰ افزایش داده و آزمون را برای بازه اطمینان ۹۰ درصد تکرار کنیم، مشاهده می‌شود در سطح خطای ۰,۱۰، متغیرهای شهرنشینی و سلامت هم به متغیرهای مورد پذیرش آزمون قبل اضافه می‌شوند. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که در سطح اطمینان ۹۵ درصدی، اثر رابطه متغیرهای درآمد، دین‌داری و اعتماد بر متغیر فقر ذهنی، اثری معنادار است و در سطح اطمینان ۹۰ درصد، متغیرهای مستقل شهرنشینی و سلامت نیز به آنها اضافه می‌شوند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این پژوهش با استفاده از داده‌های موجود در نتایج موج چهارم «طرح بررسی و سنجش شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور» عوامل بالقوه اثرگذار بر فقر ذهنی با تأکید بر دین‌داری مورد بررسی قرار گرفته و نتایج با استفاده از روش حداقل مربعات جزئی (PLS) و آزمون فرضیه‌ها در نرم‌افزار PLS-SEM بررسی و سنجش شد. برآوردها نشان دادند فرضیه‌های اثرگذاری متغیرهای دین‌داری، درآمد و اعتماد اجتماعی بر متغیر فقر ذهنی مورد تأیید است و پذیرفته می‌شود و متغیر دین‌داری با فقر ذهنی رابطه عکس دارد؛ به این معنا که با افزایش سطح دین‌داری افراد، انتظار می‌رود فقر ذهنی آنان کاهش می‌یابد. فقر ذهنی بر خلاف فقر عینی از جنس احساس و باور به فقر است و لذا امکان دارد فرد در عین ثروتمندبودن دچار فقر ذهنی باشد.

دین می‌تواند از طریق معنا و هدف‌بخشی به زندگی، افزایش عزت نفس، ایجاد هویت، سبک زندگی هدفمند، آموزه‌ها و احکام در جهت زندگی متعالی و افزایش رضایت از زندگی، فقر ذهنی را کاهش دهد. تأکیدهایی که در آموزه‌های دین اسلام مبنی بر فقیربودن همه در مقابل خداوند، رزاقیت خدا، از بین نرفتن پاداش کارهای خوب (باقی‌ماندن اثرات عمل صالح)، وجود امتحانات الهی به عنوان یک سنت غیر قابل اجتناب برای همه و اهمیت و جایگاه صبر وجود دارد، شخصیت افراد را به گونه‌ای شکل می‌دهد که در مقابل سختی‌ها مقاومت بیشتری داشته باشند. از سوی دیگر تأکید اسلام بر برقراری روابط اجتماعی پیوسته همانند صلح‌رحم، تعامل با همسایگان و مدارا با افراد موجب ایجاد یک شبکه اجتماعی سازنده می‌شود که می‌تواند در شادکامی افراد مؤثر واقع شود.

اثرات منفی فقر ذهنی از قبیل بزهکاری اجتماعی، افسردگی، ناامیدی و بسیاری از بیماری‌های روانی غیر قابل جبران در مطالعات مختلف مورد تأکید قرار گرفته است؛ لذا اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌ریزی جهت کاهش فقر ذهنی و تقلیل احساس فقر، ضروری است. در این پژوهش اثرات دین‌داری بر فقر ذهنی تأیید شد؛ لذا پیشنهاد می‌شود با تمرکز بر مقوله‌های تربیت دینی برای افزایش این سرمایه معنوی و کنترل اثرات منفی احساس فقر اقدام شود. ذکر این نکته ضروری است که دین‌داری به صورت بالقوه بر فقر ذهنی اثرگذار است و دین‌داری در کنار عوامل دیگری مثل درآمد، اعتماد اجتماعی، سلامت و ... منجر

به کاهش فقر ذهنی می‌شوند؛ از این رو نمی‌توان صرفاً با تکیه بر شاخص‌های دین‌داری یک جامعه در مورد فقر ذهنی آن اظهار نظر نمود. در عرصه سیاست‌گذاری نیز می‌بایست در کنار توجه به مقوله دین‌داری، سایر عوامل مرتبط با فقر ذهنی شناسایی شده و اقدام متناسب برای ارتقای آنها صورت پذیرد.

جهت تکمیل بررسی‌های نظری در حوزه فقر ذهنی پیشنهاد می‌شود مطالعات علمی در رابطه با روش‌های مقابله و کاهش فقر ذهنی در حوزه‌های روان‌شناختی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی افزایش یابد. از سوی دیگر فرضیات متعددی در مورد تأثیرگذاری عوامل مختلف بر فقر ذهنی مطرح شده است که در این راستا توصیه می‌شود در مطالعات آتی، اثرات سبک زندگی، سرمایه اجتماعی (سطوح و درجات مختلف اعتماد)، ویژگی‌های اخلاقی - شخصیتی، شبکه‌های اجتماعی و ... بر احساس فقر مورد بررسی قرار گیرد.

منابع و مأخذ

۱۷۷

۱. آمدی، عبدالله‌ابن‌محمد؛ غررالحکم و درر الکلم؛ تحقیق و تصحیح هاشم رسولی؛ چ ۳، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
۲. احمدی‌زاده، اکرم و همکاران؛ «استعمال دخانیات در جمعیت ۶۴-۱۵ ساله مناطق شهری و روستایی»، چهارمین همایش ملی سلامت، محیط زیست و توسعه پایدار؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس، ۱۳۹۳.
۳. افشاری، زهرا و لعیا دهمرده؛ «بررسی اثر فقر، نابرابری درآمد و شاخص توسعه انسانی بر شادکامی در کشورهای منتخب»، سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی؛ س ۴، ش ۲، ۱۳۹۳.
۴. امانی، جواد، هیمن خضری آذر و حجت محمودی؛ «معرفی مدل‌یابی معادلات ساختاری به روش حداقل مجذورات جزئی (PLS-PM) و کاربرد آن در پژوهش‌های رفتاری»، برخط دانش روان‌شناختی؛ ش ۱، ۱۳۹۱.
۵. بهشتی، سعید و یگانه منطقی؛ «بررسی نقش بازی در تربیت کودک از دیدگاه قرآن و سنت معصومین (علیهم‌السلام)»، اندیشه‌های نوین تربیتی؛ س ۷، ش ۲۷، ۱۳۹۰.

۶. پناهی، علی احمد؛ «عوامل نشاط و شادکامی در همسران از منظر دین و روان‌شناسی»، معرفت؛ س ۱۸، ش ۱۴۷، ۱۳۸۸.
۷. هیر، جوزف و همکاران؛ مدل‌سازی معادلات ساختاری: کمترین مربعات جزئی (PLS-SEM)؛ ترجمه عادل آذر و رسول غلامزاده؛ تهران: انتشارات نگاه دانش، ۱۳۹۵.
۸. حاتمی، حمیدرضا، محمدباقر حبیبی و علیرضا اکبری؛ «بررسی تأثیر میزان دین‌داری بر رضایت از زندگی زناشویی»، روانشناسی نظامی؛ س ۱، ش ۱، ۱۳۸۸.
۹. خبازی، مجید؛ شادی و رسانه: مبانی، آسیب‌ها و راهکارها؛ قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۹۰.
۱۰. ساقیان، محمد؛ «راهبردهای قرآنی و روایی مقابله با احساس فقر»، پژوهش‌های نهج‌البلاغه؛ س ۱۵، ش ۴۱، ۱۳۹۳.
۱۱. سبجانی‌فرد، یاسر؛ مبانی و کاربرد تحلیل عاملی و مدل‌سازی معادلات ساختاری همراه با استفاده از نرم‌افزارهای LISREL - SMART PLS 3 - AMOS - SPSS - HLM؛ تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۵.
۱۲. شورای فرهنگ عمومی کشور؛ طرح بررسی و سنجش شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور (شاخص‌های غیر مثبتی)؛ تهران: مؤسسه انتشارات کتاب نشر، ۱۳۹۱.
۱۳. شیانی، ملیحه و حنان زارع؛ «بررسی تأثیر برنامه‌های اجتماع‌محور بر رفاه ذهنی سالمندان»، سالمند؛ س ۸، ش ۲۹، ۱۳۹۲.
۱۴. صدوق، محمدبن‌علی؛ الخصال؛ ترجمه یعقوب جعفری؛ ج ۱، قم: نسیم کوثر، ۱۳۸۲.
۱۵. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ بحار الأنوار؛ تحقیق عزیزالله عطاردی؛ ج ۶۴، تهران: انتشارات عطارد، ۱۳۷۸.
۱۶. محسن‌پور، سعیده؛ «بررسی تأثیر شادی و نشاط در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران از دیدگاه دانش‌آموزان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۹.
۱۷. مردانی نوکنده، محمدحسین؛ «چیستی و ماهیت شادی در قرآن و روایات و راهکارهایی برای شادزیستن»، حبل‌المتین؛ س ۱، ش ۱، ۱۳۹۱.

۱۸. مدیری، فاطمه و تقی آزاد ارمکی؛ «بررسی تفاوت‌های جنسیتی در رفاه ذهنی ایرانیان»، *علوم اجتماعی*؛ س ۱۰، ش ۲۲، ۱۳۹۲.
۱۹. مهدی‌زاده، شراره و فاطمه زارع غیاث‌آبادی؛ «بررسی میزان دین‌داری و نقش آن در شادمانی جوانان»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*؛ س ۲، ش ۳، ۱۳۹۲.
۲۰. عبدالله‌پور، نازی و همکاران؛ «رابطه بین دین‌داری با رضایت از زندگی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز»، *تربیت اسلامی*؛ س ۶، ش ۱۲، ۱۳۹۰.
۲۱. نجارزاده، رضا و محمد سلیمانی؛ «سرمایه‌ی اجتماعی، درآمد و رفاه فردی مطالعه‌ی موردی ایران»، *مجله تحقیقات اقتصادی*؛ س ۴۷، ش ۲، ۱۳۹۱.
۲۲. نیلی، فرهاد و بهزاد بابازاده خراسانی؛ «شناسایی عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی در ایران»، *پژوهش‌های پولی بانکی*؛ س ۶، ش ۱۴، ۱۳۹۱.
۲۳. نیلی، فرهاد، بهزاد بابازاده خراسانی و محمد سعید شادکار؛ «بررسی وابستگی رفاه ذهنی مردم جوامع در حال توسعه به متغیرهای کلان اقتصادی»، *تحقیقات اقتصادی*؛ س ۵۰، ش ۱۱۰، ۱۳۹۴.
24. Barkan, S. E. & Greenwood, S. F.; "Religious Attendance and Subjective Well-Being among Older Americans: Evidence from the General Social Survey", **Review of Religious Research**; Vol.45, No.2, 2003.
25. Brown, P. H. & Tierney, B.; "Religion and subjective well-being among the elderly in China", **The Journal of Socio-Economics**; Vol.38, No.2, 2009.
26. Buttler, F.; "What determines subjective poverty? An evaluation of the link between relative income poverty measures and subjective economic stress within the EU", **Horizontal Europeanization**; 2013. Availale at: <https://horizontal-europeanization.eu/en/pre-prints/>.
27. Castilla, C.; "Subjective poverty and reference-dependence: Income over time, aspirations and reference groups", **The Journal of Economic Inequality**; Vol.76, 2010.

28. Colón-Bacó, E.; “The Strength of Religious Beliefs is Important for Subjective Well-Being”, **Undergraduate Economic Review**; Vol.6, Issue11, 2010.
29. Costanza, R. Fisher, B., Ali, S., Beer, C., Bond, L., Boumans, R., & Gayer, D. E.; “Quality of life: An approach integrating opportunities, human needs, and subjective well-being”, **Ecological economics**; Vol.61, No.2-3, 2007.
30. Easterlin, R., Angelescu, L & Zweig, J.; “The Impact of Modern Economic Growth on Urban–Rural Differences in Subjective Well-Being”, **World Development**; Vol.39, Issue 12, 2011.
31. Ellen M. Gee, Jean E. Veevers; “Religious Involvement and Life Satisfaction in Canada”, **Sociology of Religion**; Vol.51, Issue.4, 1990.
32. Ellison, C.; “Religious Involvement and Subjective Well-Being”. **Journal of Health and Social Behavior**; Vol.32, No.1, 1991.
33. Fentem, P. H.; “ABC of Sports Medicine: Benefits of exercise in health and disease”, **British Medical Journal**; Vol.308, No.6939, 1994.
34. Ferrer-i-Carbonell, A., & Praag, B.V.; **A Multi-dimensional Approach to Subjective Poverty**; Netherland: Amsterdam Institute for Labor Studies, 2006.
35. Graham, C.; “The economics of happiness”, **World economics**; Vol.6, No.3, 2005.
36. Houghton, J. H., & Khandker, S. R.; **Handbook on poverty and inequality**; Washington, D.C: World Bank, 2009.
37. Krause, N.; “Religious Meaning and Subjective Well-Being in Late Life”, **The Journals of Gerontology**; Vol.58, No.3, 2003.

38. Locker, D., Clarke, M., & Payne, B; "Self-perceived oral health status, psychological well-being and life satisfaction in an older adult population", **Journal of dental research**; Vol.79, No.4, 2000.
39. Lun, V. M.-C., & Bond, M. H.; "Examining the relation of religion and spirituality to subjective well-being across national cultures", **Psychology of Religion and Spirituality**; Vol.5, No.4, 2013.
40. Nishimizu, M.; **Portrait of a leader: Through the looking-glass of His Majesty's decrees**; Bhutan: Centre for Bhutan Studies, 2008.
41. Ravallion, M.; **The economics of poverty: History, measurement, and policy**; Oxford University Press, 2016.
42. Easterlin, R.A.; "Does economic growth improve the human lot?"
43. Some empirical evidence", **Nations and Households in Economic Growth**; 1974.
44. Wessman, A. E.; **A Psychological Inquiry into Satisfactions and Happiness**; 1956. <https://books.google.com/books?id=MsTTXwAACAAJ>.
45. Witter, R., et al.; "Religion and Subjective Well-Being in Adulthood: A Quantitative Synthesis", **Review of Religious Research**; Vol.26, No.4, 1985.
46. **World Happiness Report**. <http://worldhappiness.report>.